

به یاد سه رفیق

نام سه رفیق دیگر به فهرست مبارزان خفته در خون سرخ انقلاب ایران افزوده شد .
وسپاهه‌ی کارنامه‌ی ننگین رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی را طولانی تر کرد .
رفقائی نه از شمار قربانیان ناخودآگاه شرایط زمانه و فریب خورده مشتی رهبران
خودکامه ، که از تبار انسانهای آگاه آزاد یخواهی که در بستر مبارزات حق طلبانه و بی‌
بهای شکست ها و تجربه‌های جنبش سیاسی طبقاتی مردم ایران پرورش یافته اند . رفقای
از نسل نوین که نیل به آزادی و عدالت اجتماعی را در افق های دورتر و وسیعتری انتظار
میکشد .

اگر چه انقلاب سوسیالیستی ایران روزی در سوگد فقدان فرزندان پاک باخته اش خواهد
گریست ولی پروانه را در آتش سوزان وصل معشوق سوختن چه باک . یاشان به همراهی
عاشقان راه آزادی و عزت و شرف انسانی زنده و جاوید باد .



منصور نجفی ، منصور پرشور و آتشین ، از خطه‌ی جنوب ایران در خرمشهر و بسال ۱۳۲۹

دیده بجهان گشود. پس از تحصیلات متوسطه بسال ۱۳۵۰ عازم هند شد و در شهر لودیانسا در رشته کشاورزی بهدانشگاه راهیافت. بحکم طبیعت سرکش و عدالتخواهش بی درنگ به جنبش سیاسی دانشجویان ایرانی در هند وارد شد و در مدت کوتاهی در زمره عناصر فعال مبارزه علیه رژیم شاه درآمد. در سال ۱۳۵۴ با شدت گرفتن فعالیتهای سیاسی و در اثر فشار دستگاه امنیتی شاه از هند اخراج گردید و بلافاصله به کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی در اروپا و سپس در سوئد به جرگه هواداران گروه اتحاد کمونیستی درآمد و به مبارزه خود ادامه داد. در پایان سال ۱۳۵۷ به جنبش عمومی مردم در ایسران ملحق شد. همزمان با سرنگونی شاه و تصرف و تصاحب قدرت توسط روحانیون و شکست انقلاب، او با عضویت در سازمان وحدت کمونیستی، مبارزه علیه رژیم تازه بقدرت رسیده را بجان پذیرفت. فداکاری، صمیمیت و جانبازی او در این دوران زبانزد رفقای بود که وی را از نزدیک می شناختند. او بتمام معنی کلمه و با تمام وجود در خدمت مبارزه بود تا آنکه در تاریخ دهم دیماه ۱۳۶۰ مورد یورش مزدوران رژیم قرار گرفت و دستگیر شد. پس از شکنجه و آزار فراوان به ده سال حبس محکوم شد. منصور که از زندانی به وسعت ایران به زندان تنگ و تاریکتری راه یافته بود به آرمان خود همچنان پایبند باقی ماند و در زندان به مبارزه خود ادامه داد تا اینکه سرانجام سازش ناپذیری او وی را در صدر سیاهه های اسیران قتل عام شده تابستان ۶۷ قرار داد و پس از هفت سال مقاومت جانانه با سری افراشته در راهی که گام نهاده بود جان باخت.



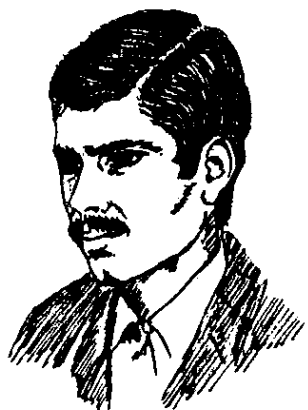
حسن ابراهیم زاده (عمو) در ۱۷ فروردین سال ۱۳۳۱ در خانواده ای متوسط در یکی از شهرهای شمال ایران متولد شد. پس از دوران تحصیلات ابتدائی در شهر زادگاهش وارد هنرستان صنعتی در رشته برق شد و بعد از پایان تحصیلات همراه با کار برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. او که فعالیتهای محدود سیاسی را در ایران آغاز کرده بود، در خارج از کشور به جرگه های فعالین سیاسی پیوست و در سال ۵۷ همزمان با اوج گیری مبارزات مردم علیه رژیم شاه او نیز تلاش برای تشدید فعالیتهای خود در پیوستن به ایستادن مبارزات را آغاز کرد. در همین زمان در ارتباط با گروه اتحاد کمونیستی و به عنوان

عضو گروه ، از جمله اولین افرادی بود که قبل از بهمن ۵۷ به ایران اعزام گردیدند و در مبارزات توده‌ای مردم در این دوران و درگیریهای مسلحانه روزهای قیام شرکت فعال داشت .

در سال ۵۸ اودر کارخانه‌ای در شیراز به کار مشغول شد و در کلیه فعالیت های کارگری در این شهر از نزدیک شرکت داشت و به ترویج نظرات سازمان میپرداخت . در همان سال او ضمن درگیری عناصر رژیم با آموزشگاه عشایری شیراز بشدت مجروح شد و چندین روز بستری گردید . چندی بعد ، در جریان يك اعتصاب کارگری در کارخانه ، بعنوان یکی از گردانندگان اعتصاب از کارخانه اخراج شد و اگرچه مدتی بعد به دنبال اعتراضات کارگران به سرکار خود بازگردانده شد ، مدت کوتاهی بعد از این بازگشت مجدداً اخراج گردید و در کارخانه دیگری بصورت روز مزدبکار پرداخت . در اواخر سال ۵۹ رفیق حسن که تحت پیگرد شدید ماموران رژیم در شیراز قرار داشت به تهران آمد و به فعالیتتهدیه‌سازمانی پرداخت و در ۹ اردیبهشت سال ۱۳۶۰ در حین فعالیت تبلیغاتی برای تدارک بزرگداشت روز ۱۱ اردیبهشت در تهران دستگیر شد . و بعد از ۱۵ روز اسارت در کمپته به اوین منتقل گردید . او از اولین روزهای ورود به اوین در حرکات جمعی زندانیان علیه شرایط زندان بطور فعال شرکت کرد و بتدریج به عنوان یکی از گردانندگان این اعتراضات شناخته شد و به همین دلیل بارها تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت . از بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و تغییرات در وضع زندانها ، ماموران رژیم علیرغم اینکه هیچگونه مدرک مهمی علیه وی در دست نداشتند صرفاً به دلیل ایستادگی بر مواضعش و دفاع از آرمانهایش او را دائم تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار میدادند . علیرغم این شکنجه‌ها اما رژیم موفق نشد در طول ۴ سال اسارت از او کوچکترین اطلاعاتی در مورد هم‌زمان و سابقه فعالیتش بدست آورد . در عین حال او تا آخرین روز حیات خود در برابر دادگاههای فرمایشی در زندان تکرار میکرد که يك کمونیست است . قسراً دادن او در يك سلول با افراد خائن با این تصور موهوم که او را "به سر عقل" آورند نیز با اینکه بارها تکرار شد ، ثمری برای رژیم نداشت . سرسختی های رفیق و بی اثر بودن شکنجه‌های بی سابقه و بی دریی رژیم را واداشت حکم اعدام او را صادر نمایند . این حکم در روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۳ اجرا شد .

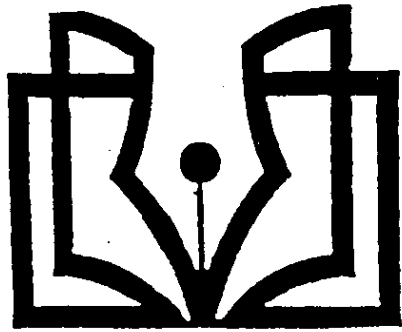
رفیق حسن ابراهیم زاده (عمو) به شهادت هم‌زمان و هم‌ندهایش ، در طول اسارت خود ، موفق شد با رفتاری که از يك انقلابی کمونیست انتظار میرود محبوبیت زیادی

در زندان کسب‌کند . او چه در دوران مبارزه در خارج از زندان و چه در دوران اسارت پسک
انسان واقعی و یک کمونیست متعهد به آرمانهای خویش باقی ماند . پادش گرامسی
وراهش پر رهرو باد .



ابراهیم ولی زاده در سال ۱۳۳۱ در بوکان متولد شد و پس از اتمام دبیرستان به شغل
معلمی پرداخت . با گسترش مبارزه‌ی انقلابی وی نیز همراه تنی چند از رفقای دیگر
علیه رژیم به فعالیت پرداخت . ابراهیم پس از انقلاب نیز در مقاومت در مقابل هجوم
رژیم جمهوری اسلامی به کردستان فعال بود . وی از اولین رفقای بود که در کردستان
به جمع‌اعضا، و هواداران سازمان وحدت کمونیستی پیوست ، و به مدت دو سال
در تمام فعالیت‌های سازمان با جدیت شرکت کرد .

در سال ۱۳۶۰ و پس از گسترش سرکوب شدید نیروهای رژیم ، رفیق ابراهیم کسسه
تحت پیگرد شدید قرار گرفته بود به تهران آمد و به کار و فعالیت خود ادامه داد .
سرانجام در آذرماه ۱۳۶۱ توسط فردی خائن به نام مهدی قربانزاده گنجی که
اورا از کردستان می‌شناخت و از زیربوم فعالیت هایش مطلع بود ، لورفت و دستگیر شد .
ابراهیم که فعلاً نه در مقاومت انقلابی مردم کردستان شرکت جسته بود ، تحت شدیدترین
شکنجه‌ها قرار گرفت تا شاید اطلاعات خود را بروز دهد . اما علیرغم جو غالب در زندان
در آن روزها ، وی همچون سایر رفقای زندانی سازمان شدیداً مقاومت کرد و شکنجه‌گران
اوین را شکست داد . ناامید از تسلیم وی ، دژخیمان رژیم سرانجام به زندگانی
پرافتخار وی خاتمه دادند و ادعایی قدیمی را یک بار دیگر تکرار کردند : ابراهیم
ولی زاده در هنگام انتقال به شهر زادگاهش به علت اقدام به فرار کشته شد .
پادش گرامسی باد .



منتشر کرده ایم

۲۲۲۲۲۲۲۲

از سازمان وحدت کمونیستی

از هیواداران سازمان وحدت کمونیستی

- نقدی بر "در باره تفاد" اثر مائوتسه دین
- پل سولیزی، نقدی بر "مبارزه طبقاتی در سوئدی"
- از شارل بتلهاپ
- سیاست حزب توده، قبل از انقلاب، بعد از انقلاب
- در باره شوراسا
- انقلاب-سوسیالیستی وحقی ته بین سرنوشت
- "انقلاب مرحله ای" یا "انقلاب" در انقلاب
- پاسخی به انتقادات سبفغا از نظرات سازمان
- وحدت کمونیستی
- گاهنامه هیواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا
- شماره یک، بهمن ۱۳۶۱
- زنان در رژیم ولایت فقیه "گازنامه هفت سال ستم"
- در نفی اعدام

گزیده شی از مقاله های "رهائی"

- فدائیان اسلام، مشروطه طلبی
- (جاپ اول اروپا - جاپ دوم پلانفرم جاپ امریکا)
- نقدی بر نظرات سازمان بهگار
- نقدی بر نظرات راه کارگر
- نقدی بر نظرات سبفغا
- حزب توده در "رانه های ارتداد"
- نقدی بر نشرات "شورای متحد جاپ"
- درباره "سازمان انقلابی"
- درباره سازمان مجاهدین خلق ایران
- برخوردی به قطعنامه های شکره دوم کوهله

- استالینسیم (تبارل نظر با سبفغا، دفتر دوم)
- اندیشه مائوتسه دین و سیاست خارجی چین
- (تبارل نظر با سبفغا دفتر سوم)
- چه نباید کرد ؟ نقدی بر گذشته و پهنسودی برای آینده
- رهائی نشونیک، شماره های ۲۰۱، ۲۰۲
- آنتی دورینگ (دفتر اول)
- در تبارک انقلاب-سوسیالیستی
- مکانیات مارکس و انگلس در باره مائوتسه دین تاریخ
- مارکسیسم و حزب نونشته جان مالدیک
- (درباره نظرات مارکس، لنین، روزالوگزامبرگ،
- نرونسکی و گرامشی در مورد سازماندهی)
- ترونسکیسم سقط د بالکیک لنین
- خصاص و نظرات آن
- کارل مارکس، در باره جنگ
- مبارزات طبقاتی در السالوادور
- کارل مارکس، فرماسین های ما قبل سرمایه داری
- (فصلن از گروند ریسه)
- ریازانف، مدخلی بر زندگی و آثار کارل مارکس
- فردریک انگلس

- سالاما، والیه مدخلی بر اقتصاد سیاسی
- نقدی بر تزراه رتد غیر سرمایه داری
- بحثی پیرامین نشوری انقلاب، نقدی بر نظرات
- سازمان روزندگان
- "رهائی دوره دوم" در ۱۱۲ شماره
- نقد نظرات اتحاد مبارزان کمونیست،
- پیرامین نشوری انقلاب ایران
- دویپنیش در حزب کمونیست ایران
- انقلاب دیکرانییک یا سوسیالیستی
- رهائی دوره سوم شماره های ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴
- ۱۶۰۱۵۷۱۴۰۱۳۰۱۲۰۱۱۰۱۰۰۹۰۸۰۷۰۶

از دیگران

- روی مدوف، در دادگاه تاریخ (حقایق درباره
- دوران حاکمیت استالین، ترجمه منوچهر هزارخانی)
- احمد شاملو، کاشفان فروتن شوکران
- فدریک کارسیا لودگا، نرانه های شرقی و اشماد دیگر،
- ترجمه احمد شاملو
- احمد شاملو، نرانه های کوچک نریت

نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی

- اندیشه رهائی شماره ۱ اسفند ۱۳۶۲
- اندیشه رهائی شماره ۲ مهر ۱۳۶۳
- اندیشه رهائی شماره های ۳، ۴ اسفند ۱۳۶۳
- اندیشه رهائی شماره ۵ دی ۱۳۶۴
- اندیشه رهائی شماره ۶ اسفند ۱۳۶۵
- باز تکثیر شبنامه شماره های ۳ و ۱ درخارج از کشور
- باز تکثیر شبنامه کارگری شماره های ۳ و ۲ و ۱ درخارج از کشور
- اندیشه رهائی شماره ۷ بهمن ۱۳۶۶
- اندیشه رهائی شماره ۸-۹